

# بررسی وضعیت جامعه مدنی و تحول مطبوعات در شش دوره انقلاب اسلامی ایران

نقیسه زارع کهن<sup>۱</sup> / هادی خانیکی<sup>۲</sup> / افسانه مظفری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: آذر ۱۴۰۱

## چکیده

هدف از این پژوهش بررسی وضعیت جامعه مدنی و مطبوعات در شش دوره انقلاب اسلامی ایران و نسبت بین آن‌ها در این ادوار است. در این تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی به همراه روش تاریخی بهره گرفته شده است. واحد تحلیل در پژوهش پیش رو سرمقاله‌های مطبوعات برجسته هر دو جناح کشور از سال‌های پس از انقلاب در خردادهای مهمی که جامعه و قدرت را همزمان درگیر کرده و واکنش مطبوعات را برانگیخته هستند. در این پژوهش ابتدا متن کلیه سرمقاله‌های نشریات تعیین شده در رویدادهای نامبرده مورد مطالعه قرار گرفته و از بین آن‌ها دو متن که معرف نگاه نشریات هر جناح باشد برگزیده شده است. هم‌چنین در کنار تحلیل محتوای کیفی آن‌ها کوشش شده تا منابع معتبر و متعدد مورد بررسی قرار بگیرند. در این تحقیق شش دوره تاریخی مورد تحلیل عبارتند از: ۱- ابتدای انقلاب ۲- دوران جنگ ۳- دوران پساجنگ (دولت سازندگی) ۴- دوران اصلاحات ۵- دوران اصول‌گرایی ۶- دوره اعتدال. در مجموع با مقایسه شش دوره زمانی مطبوعاتی و وضعیت جامعه مدنی در هر دوره چنین نتیجه گرفته شد که مطبوعات به عنوان نیروی مؤثر در رشد جامعه مدنی عمل کرده‌اند ضمن آن که در این شرایط جامعه مدنی هم زمینه‌ساز تحول مطبوعات شده و رابطه‌ای دوسویه میان آن‌ها برقرار است. هم‌چنین براساس یافته‌ها مشخص شد که می‌توان دوره چهارم (اصلاحات) را درخشان‌ترین زمان برای جامعه مدنی و مطبوعات تحول یافته خواند.

**واژگان کلیدی:** جامعه مدنی، مطبوعات، انقلاب اسلامی ایران، توسعه.

۱- دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استاد، گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: hadi.khaniki@gmail.com

۳- دانشیار، گروه علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

مطبوعات ایران شاخص متن جامعه و عنصری از بطن نظام اجتماعی بوده‌اند. بدین معنی که وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی ایران در امکان پیدایش مطبوعات توسعه یافته دخیل بوده است و از طرفی از آن جایی که به گفته پروفیسور معتمدنژاد مطبوعات می‌توانند با ایجاد رشته‌های ارتباطی؛ آگاهی و اندیشه، اراده مشترکی را در زمانی واحد به وجود آورند می‌توان به نقش مهم آن‌ها در رشد و توسعه جامعه نیز پی برد و این همان بزنگاهی است که نقش مطبوعات در پیشرفت و توسعه جوامع را می‌توان از آن برداشت کرد و بر همین مناسبت که می‌توان بر اهمیت تأثیر این دو مقوله (جامعه مدنی و توسعه مطبوعات) بر یکدیگر پی برد.

از آن جایی که نسبت جامعه مدنی و تحول مطبوعات در جامعه ایران در شرایط پس از انقلاب و تأثیری که بر یکدیگر دارند به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. محقق برآن شد تا این مسئله را در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به طور کامل و جامع مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. از این رو برای بررسی وضعیت جامعه مدنی و مصادیق حضور آن در شش دوره مورد بررسی در پژوهش، به دنبال موارد و حوادثی بوده‌ایم که در آن‌ها ساختار حزبی قوی، مشروعیت نظام سیاسی، تعامل میان احزاب، مشارکت سیاسی، شکل‌گیری نهادهای مستقل و انجمن‌های داوطلبانه خودجوش، بی‌اهمیت بودن نژاد، مذهب، قومیت و جهت‌گیری سیاسی، تأمین منافع گروه‌های اقلیت، کنترل دولت، کاهش تجاوز به حریم خصوصی، حاکمیت قانون و نظارت بر اجرای آن ایجاد گرایش‌های سیاسی مختلف، اهمیت حقوق شهروندی و انسانی و گسترش مالکیت خصوصی اتفاق افتاده است. به این ترتیب اگر معرف‌های مذکور، هم وجود نداشتند یا کم‌رنگ بودند به عنوان مصادیق غیاب مفهوم جامعه مدنی در نظر گرفته شده است. همچنین باید اضافه و تأکید کرد که این شش دوره خود هر کدام شامل دولت‌ها و بسترهای متفاوتی بوده‌اند که مطبوعات و جامعه مدنی در این بسترها مورد توجه قرار گرفته است.

## اهداف و سؤالات تحقیق

هدف از انجام این پژوهش این است که دریابیم آیا تغییر جامعه مدنی موجب تحول مطبوعات شده یا تحول مطبوعات زمینه رشد جامعه مدنی را در ایران در سال‌های پس از انقلاب فراهم آورده است؛ ضمن این که یافتن دوره‌ای در سال‌های پس از انقلاب و در بسترهای مختلف که طی آن مطبوعات و جامعه مدنی همزمان درخشیدن گرفته‌اند و از سوی دیگر دوره‌ای که این هردو رو به افول بوده‌اند را

می‌توان به عنوان هدف فرعی این پژوهش در نظر گرفت.

هم چنین می‌توان در چارچوب این پژوهش سؤالات دیگری مانند این که مطبوعات و دولت‌ها در این شش دوره مبین چه نوع گفت‌وگویی بوده‌اند؟ و دولت‌ها چه رویکردی به جامعه مدنی داشته‌اند را نیز مورد بررسی قرار داد.

## ادبیات پژوهش و مبانی نظری

این تحقیق را شاید بتوان جزو نخستین تحقیقات مدون و همه جانبه در این حوزه در دوران پس از انقلاب اسلامی عنوان کرد زیرا پژوهش‌هایی که در آن به مبحث جامعه مدنی و مطبوعات پرداخته شده یا از منظر بافت قدرت مورد ارزیابی قرار گرفته است یا تأثیر روزنامه‌نگاری آرمانی را بر جامعه مدنی سنجیده است. از همین رو شاید این نخستین پژوهشی باشد که در این حوزه انجام شده و مدلی مناسب جهت ارتباط جامعه مدنی و تحول در مطبوعات آن هم در شش دوره پس از انقلاب ارائه داده است.

با این وجود اما در پژوهش پیش رو با تکیه بر تحقیقات پیشین به مطالعاتی استناد شده است که هم به لحاظ تاریخی و هم از منظر مفاهیم و متغیرهای مورد مطالعه شباهت‌های زیادی داشته‌اند. هم‌چنین یافته برخی از پژوهش‌ها هم کمک شایانی به انجام این تحقیق داشته است.

(هادی خانیکی در کتاب «قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، ۱۳۸۱») با بررسی شرایط جامعه مدنی و قدرت حاکم و نقشی که در توسعه مطبوعات داشته‌اند دو دوره قبل از انقلاب، یکی دوران پراکندگی یا توزیع قدرت (انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹) و دیگری دوره تمرکز قدرت سیاسی (حکومت سلطنت رضاشاه از کودتای ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰) را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس این پژوهش ساخت اجتماعی مبتنی بر دولت متمرکز، جامعه مدنی ضعیف، فرهنگ سیاسی مشارکت ستیز و دستگاه‌های ناکارآمد حل تعارض، با ساخت مطبوعاتی توسعه نیافته ملازم و مقارن است و ساخت اجتماعی مبتنی بر قدرت توزیع شده، جامعه مدنی قوی، فرهنگ مشارکت‌جو و دستگاه‌های کارآمد حل تعارض با ساخت مطبوعاتی توسعه یافته سازگاری دارد. این رابطه میان متغیر وابسته مطبوعات و متغیر مستقل جامعه قابل تعمیم به دوره‌های مشابه است.

(محمد مهدی فرقانی نیز در کتاب راه دراز گذار، ۱۳۸۱) به بررسی سیر تحول گفت‌وگومان توسعه سیاسی در تاریخ معاصر ایران از پیروزی انقلاب مشروطه تا پایان دهه دوم انقلاب اسلامی پرداخته و رشد برخی شاخص‌های توسعه سیاسی در سال ۱۳۵۸ را ناشی از رهاشدگی اوایل انقلاب و بروز مطالبات اجتماعی عنوان کرده است. در این پژوهش فرقانی با بررسی هشت دوره تاریخی، تصویری کلی

از جایگاه گفتمان توسعه سیاسی در یک قرن اخیر ایران ارائه می‌کند. شعبانعلی بهرام‌پور در رساله دکترای خود با عنوان «چشم‌انداز مطبوعات آرمانی در ایران: بررسی تطبیقی ارزش‌های آزادی بیان و استقلال روزنامه‌نگاران در روزنامه‌های ایران» به مقایسه ارزش‌های آزادی بیان و استقلال روزنامه‌نگاران در روزنامه‌های دو جناح راست و چپ حکومتی ایران پرداخته است. بر اساس این تحقیق مطبوعات گفتمان چپ و راست از آغاز دهه ۶۰ تا فوت رهبر انقلاب توجهی جدی به مسئله آزادی بیان و استقلال مطبوعات نداشتند و تنها یک‌بار روزنامه رسالت در یک یادداشت بحث استقلال روزنامه‌نگاران را مطرح ساخته بود.

(علی محمدزاده هم در پژوهش خود با نام «تناقض‌های موجود در گفتمان جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲») با اشاره به دوران بعد انقلاب اسلامی می‌نویسد: ساختار سیاسی ایران به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون منابع قدرت متمرکز، حاکمیت دوگانه، تصلب ساختارهای غیرانتخابی و وجود خط قرمزها و از طرفی فرهنگ سیاسی غیر دموکراتیک (انقیاد، تفکیک شهروندان، تشکل ستیزی، چند پارگی فرهنگی و ...) و از سوی دیگر تناقضات و محدودیت‌های موجود در ساختار حقوقی مانع توسعه و گفتمان جامعه مدنی شده است.

هم چنین ناصر غضنفری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در سال ۱۳۹۰ با عنوان «موانع توسعه مطبوعات غیردولتی در ایران پس از انقلاب اسلامی از دیدگاه صاحب‌نظران» دلایل کوتاهی عمر مطبوعاتی پس از انقلاب را فارغ از وابستگی‌های دولتی بررسی کرده است. بر اساس پژوهش وی دیدگاه دولت پس از انقلاب اسلامی با الگوی نظری مطبوعات اقتدارگرا هم‌خوانی دارد که البته در بعضی مقاطع زمانی به سمت الگوی مطبوعات توسعه‌گرا حرکت کرده است. به این ترتیب با توجه به موارد ذکر شده می‌توان ادعا کرد که اغلب تحقیقات انجام‌شده بر یک بعد از جامعه مدنی یا مطبوعات در سال‌های پس از انقلاب اسلامی تأکید داشته‌اند و هیچ‌کدام به تبیین نسبت جامعه مدنی و تحول مطبوعات اعم از دولتی یا غیردولتی در تاریخ بعد از انقلاب اسلامی نپرداخته‌اند.

### مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق بر پایه مطالعه مطبوعات و توسعه، مطبوعات ایران و توسعه‌نیافتگی آن‌ها و البته جامعه مدنی ویژگی و خصلت‌های آن استوار است که اندیشمندی هم چون مجید تهرانیان، گوستاولوبون، گابریل تارد، وبر، ژان کازارو خانیکی و ... آن را بررسی کرده‌اند و در حوزه جامعه مدنی نظرات دانشمندانی هم چون گریم گیل، هابرماس، بشیریه، نوربرتو بایبو، فوکو و ...

مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش مفاهیمی چون مطبوعات و توسعه با نگاهی به ارتباطات تعریف شده است و سپس به تعریف جامعه مدنی، ویژگی‌ها و خصایص آن از دید دانشمندان قدیم و جدید پرداخته شده است. **الف) مطبوعات:** (گوستاولوبون، ۱۸۷۹) مطبوعات را از سائق‌ها و محرک‌های نزدیک و مستقیم در امر آموزش توده‌ها می‌داند که با گسترش فزاینده خود، عقاید متضاد با عقاید توده‌ها را بدون وقفه به رویت ایشان می‌رساند. روند تحول مطبوعات از نظر وی به سوی تبعیت محض از افکار عمومی، انتقال سرگرمی‌ها، شایعه‌ها، آگهی‌های تجاری، اطلاعات روز و جلب آرای عمومی بوده است. (گابریل تارد، ۱۸۹۰) مطبوعات را از جمله عوامل پیدایش «همگان» معرفی می‌کند که برخلاف انبوه خلق لوبون دارای همبستگی معنوی و فکری و به جای کنش‌های فیزیکی است. به این ترتیب مطبوعات می‌توانند با ایجاد رشته‌های ارتباطی، آگاهی و اندیشه و اراده مشترک را در زمان واحدی به وجود آورند.

مطبوعات تحول یافته محصول فرآیندی است که در آن تسلط بر منابع قدرت اجتماعی مترادف با نفی مشارکت و رقابت عمومی نبوده و مطبوعات به عنوان نهادهایی برخاسته از اندیشه و خواست گروه‌های مختلف اجتماعی، امکان و توان ساختن فرهنگ نقاد سیاسی را دارند.

### مطبوعات و توسعه

مطبوعات اگرچه خود می‌توانند محرک و پیش‌برنده توسعه اجتماعی باشند اما واقعیت آن است که خود محصول و نتیجه ساخت و سیستم‌های اجتماعی نیز هستند. سیستم‌های اجتماعی به سبب تعامل و روابط گشوده و باز با محیط خود، پیوسته در تلاش ایجاد ساخت‌های نو هستند. (تهرانیان، ۱۳۵۶، صص ۴۱-۳۴)

از این رو ساخت مطبوعاتی، متغیری است وابسته به دامنه تغییرات ساخت اجتماعی که به طور طبیعی در درون یک ساخت توسعه‌پذیر اجتماعی، فرآیند توسعه را سریع‌تر در می‌نوردد. گستردگی و فشردگی تضادها و تعارض‌هایی که معمولاً در دوران گذار تاریخی یک جامعه به وجود می‌آید، همواره از درون ساخت اجتماعی به شیوه‌های گوناگون بر ساخت مطبوعاتی تأثیر می‌گذارد. (خانیکی، ۵۶، ۱۳۸۱)

(گوستاولوبون، ۱۸۷۹) مطبوعات را از سائق‌ها و محرک‌های نزدیک و مستقیم در امر آموزش توده‌ها می‌داند که «با گسترش فزاینده خود، عقاید متضاد با عقاید توده‌ها را بدون وقفه به رویت ایشان می‌رساند»

در تحقیقات جدیدتری که در مورد رابطه میان ارتباطات و توسعه انجام گرفته است می‌توان تأثیر برخی عوامل اجتماعی را بر توسعه مطبوعات و نیز رابطه معکوس آن را به طور تجربی‌تری مشاهده کرد، هر چند در سرآغاز پژوهش‌های ارتباطی توسعه در دهه پنجاه،

جامعه بستگی دارد؛ در نتیجه حوزه مستقلی از رویه‌ها، حقوق و شأن اجتماعی افراد شکل می‌گیرد. (چاندوگ، ۱۳۷۷، ۲۹) که از حقوق مردم در مقابل خطرات احتمالی محافظت می‌کند.

### چارچوب نظری

در دیدگاه‌های سیستمی یکی از سؤالاتی که همواره مطرح شده این است که وسایل ارتباط جمعی به طور عام و مطبوعات به طور خاص تا چه اندازه در به وجود آمدن تحولات اجتماعی نقش داشته‌اند؟ در پاسخ به این سؤال و در این باره می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد:

**رویکرد اول:** رویکرد تحول‌انگیزی ارتباط که از آن مارشال مک لوهان دانشمند کانادایی است و باور دارد تحولات اجتماعی را می‌توان برحسب انواع ارتباطات دسته‌بندی و تبیین کرد و به عبارت دیگر او ارتباطات را موتور تحولات می‌داند. وی عامل اساسی تحولات تاریخی و اجتماعی را نظام‌های ارتباطی و نوع رسانه در انتقال پیام می‌داند و به نظر او، عامل اول یعنی نظام ارتباطی، تعیین‌کننده عامل دوم یعنی محتوای پیام است. وی مبانی اساسی نظریه خود را در یک جمله بیان می‌کند: «رسانه، پیام است.»

به عقیده مک لوهان، اگر انسان از نظام ارتباط شفاهی و گفتاری که حسن غالب در آن حس شنوایی بود، وارد نظام ارتباط مکتوب و چاپی و سلطه حس بینایی نمی‌شد؛ فرهنگ و تمدن به معنای امروزی شکل نمی‌گرفت و انسان هم چنان در نظام بسته قبیله‌ای و ماقبل مدرن می‌زیست. ایده کانونی مک لوهان این است که تحول فناوری‌های ارتباطی، به طور اجتناب‌ناپذیری، به تغییر نظم و صورت‌بندی‌های فرهنگی و اجتماعی منجر می‌شود. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۶)

مک لوهان می‌گوید اگر اراشمیدس نقطه اتکایی می‌خواست تا جهان را جابه‌جا کند، من رسانه‌ها را می‌خواهم تا جوامع را دگرگون کنم. با این طرز تلقی مک لوهان به نوعی حرکت فراگیر اعتقاد دارد که در آن همه انسان‌ها تحت تأثیر هم قرار دارند و رسانه‌ها به صورت توده‌های نامرئی، همه وجوه زندگی بشر اعم از اقتصاد، سیاست و مسائل روزمره را دربر می‌گیرد. با این تفکر به نظر می‌رسد که هم تمرکزگرایی در جهان از بین خواهد رفت و هم نظام‌های الکترونیکی خواهد توانست یک مصرف عمومی و همگانی را در جامعه جهانی به وجود بیاورند. (مجله رسانه

<http://mediajournal.ir/article/media-management/2675>)

اما رویکرد دوم از آن جامعه‌شناسان ارتباطات است که ارتباطات را بیشتر متأثر از ساخت اجتماعی جوامع می‌دانند تا تأثیرگذار بر آن. مجید تهرانیان معتقد است ساخت مطبوعات متغیری است وابسته به دامنه تغییرات ساخت اجتماعی که به طور طبیعی در درون یک

توسعه به طور عمده مترادف با رشد اقتصادی گرفته شده است. در حقیقت با روشن شدن تدریجی اهمیت نگرش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی در رشد اقتصادی، نگاه به نقش ارتباطات و از جمله مطبوعات تغییر یافت و نظریه‌ها به این نکته معطوف شد که اگرچه می‌توان علم، فن‌آوری و سرمایه را وارد هر جامعه‌ای کرد اما خلاقیت لازم برای کاربرد این منابع در جهت توسعه یک جامعه خاص باید از دل آن جامعه برخیزد و رسانه‌ها می‌توانند محیط اجتماعی را آماده پذیرش تحول سازند. (خانیک، ۱۳۸۱، ۱۲۰) (مهدی محسنیان‌راد، ۱۳۶۵) با تکیه بر سه مرحله تحول وسایل ارتباط جمعی مارشال مک لوهان، توسعه ناهماهنگ رسانه‌های جمعی در ایران را ناشی از توقف کوتاه جامعه ما در «کهکشان گوتنبرگ» و گذار بالنسبه سریع از «کهکشان شفاهی» به «کهکشان مارکنی» می‌داند. بر اساس این تحقیق جامعه‌ای با زیرساخت فرهنگ شفاهی بدون رشد و توسعه مناسب فرهنگ مکتوب به جهان دیداری- شنیداری پیوسته است.

### جامعه مدنی

در سال‌های اخیر جمعی از جامعه‌شناسان آمریکایی (ویبرک، ۲۰۰۷) جامعه مدنی را این‌گونه تحلیل کرده‌اند: «جامعه مدنی دربرگیرنده شمار زیادی از میدان‌های عمومی بالقوه خود مختار و منفک از حکومت است. فعالیت‌های کنشگران که در جامعه مدنی توسط انجمن‌های گوناگون تضمین می‌شود باعث می‌گردد که جامعه از غلتیدن به قالب یک توده بی‌شکل نجات یابد.» (قاسمی، ۱۳۹۵، ۹۹) (نوربرتو بابیو، ۱۹۷۹) جامعه مدنی را عرصه کشاکش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی می‌داند که نهادهای دولتی وظیفه حل آنها را با وساطت یا سرکوبی برعهده دارند.

از نظر هابرماس جامعه مدنی عرصه تاخت‌وتاز دولت‌ها و احزاب و سندیکاها است. از همین روی می‌یابد به گفت‌وگویی روی آورد. هابرماس در ریشه‌یابی و تحلیل جامعه مدنی در عصر جدید به مفهوم مالکیت خصوصی و نقش آن در پیدایی جامعه مدنی در غرب توجه دارد. او برخلاف مارکس و مارکسیست‌های بعدی شکل‌گیری حوزه عمومی را از روابط مالکیت مستقل نمی‌داند. (پیوزی، ۱۳۸۷، ۱۱۹) جامعه مدنی که از تشکلهای بی‌شمار مردمی شکل می‌گیرد، سرچشمه واقعی قدرت مردم است که طرز تفکری جدید و نگرشی تازه به جهان می‌بخشد و این فرآیند امری است درون‌زا که از دینامیسم درونی جامعه با آگاهی از پیشرفت علوم و ماهیت فرهنگ هر جامعه حاصل می‌شود و رکود درونی جامعه را به تحرک می‌کشانند. (فیوضات، ۱۳۸۰، ۱۲۱-۱۲۰)

در پروسه تکاملی مفهوم جامعه مدنی، دولت دیگر حد و مرز جامعه را تعیین نمی‌کند؛ بلکه مشروعیت نظام سیاسی به رضایت بازیگران

چگالی و نسبت موضوعی مطبوعات، جهت انتقادی و نوع نگرش آن‌ها را به مقوله‌ها نیز ارزیابی می‌کنند. در این فرایند بالابردن رواداری و رشد فرهنگی از طریق بیان علایق و اندیشه‌های مختلف، گفت‌وگو و اقلان و در نهایت ساختن فرهنگ نقاد و ایجاد تعاون مبتنی بر تنوع مورد نظر است.

البته روشن است که چون فرایندهای تاریخی توسعه، از لحاظ ماهیت کیفی هستند، از این‌رو ممکن است سطوح یکپارچگی یا عدم یکپارچگی اجتماعی از طریق روش‌های کمی، و با آزمون‌های مناسب به خوبی سنجیده نشوند، نکته مهم در این است که نمی‌توان برای شناخت ساخت مطبوعاتی جامعه‌ای مثل ایران با توجه به آثار و نتایج دوران گذار و فشرده‌گی، در هم‌آمیختگی و نمایشی بودن برآمده از تداخل مراحل مختلف تغییر به شاخص‌های کمی، که دست‌یافتنی‌ترین دست‌یافته‌های تحقیقاتی هستند، اکتفا کرد، بلکه لازم است این شاخص‌ها در کنار شاخص‌های کیفی و بازنگری و برای مقایسه تطبیقی دوره‌های متفاوت به کاربرده شوند. (خانیک، ۱۳۸۱: ۱۳۱-۱۳۳)

در مورد پژوهش پیش روی نیز می‌توان همین دو رویکرد را صادق دانست مطبوعات ایران شاخص متن جامعه ایران و عنصری از متن نظام اجتماعی و بیشتر تحت تعیین ساخت اجتماعی جامعه بوده‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران علم ارتباطات و جامعه‌شناسان بر این باورند که در پرتو یک جامعه مدنی قوی است که مطبوعات تحول خواهانه و توسعه‌یافته شکل می‌گیرند.

آنچه از پژوهش‌ها و تحقیقات گذشته برمی‌آید مؤید این نکته است که در جامعه‌ای مثل ایران مطبوعات متغیری مستقل نبوده و به دلیل مشخص نبودن وضعیت نهادهای مدنی و سیاسی مثل احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه و زوال تدریجی یا آمرانه گروه‌های سنتی و عرفی به سرعت جایگزین می‌شوند. مطالعات تاریخی هم نشان می‌دهد که در دوره‌ها و دولت‌های نسبتاً آزاد و رشد یافته‌تر مطبوعات هم شرایط بهتری داشته‌اند یعنی هر وقت جامعه مدنی رشد بهتری داشته است، مطبوعات به لحاظ کمی و کیفی از زمینه مساعدتر و مناسب‌تری برای توسعه برخوردار بوده‌اند. در واقع در وضعیت قوت جامعه مدنی، قدرت نظارت و نگرش انتقادی مطبوعات هم درخور توجه است ولی با ضعف جامعه مدنی این ویژگی یا دیده نشده یا کمرنگ شده است.

در همین راستا هادی خانیکی نیز با ارائه مدلی نشان داده است که ساخت مطبوعات در ایران متغیری وابسته به ساخت قدرت و جامعه مدنی است و این دو متغیر مستقل سیاسی و اجتماعی به وسیله دو عامل فرهنگی و حقوقی یعنی «فرهنگ سیاسی نخبگان» و «دستگاه‌های حل‌وفصل اختلاف» تجدید یا تقویت می‌شوند و توسعه مطبوعات به نحوه استقرار جامعه مدنی بستگی دارد، به این

ساخت توسعه‌پذیر اجتماعی فرایند توسعه را سریع‌تر در می‌نوردد. گسترش و فشرده‌گی تضادها و تعارض‌هایی که معمولاً در دوران‌گذار تاریخی یک جامعه به وجود می‌آید، همواره از درون ساخت اجتماعی به شیوه‌های گوناگون برساخت مطبوعاتی تأثیر می‌گذارد و شتاب‌زدگی در طی این دوران گذار آثار ناهنجاری را موجب می‌شود که هم در ساختار جامعه و هم مطبوعات مشاهده می‌شود. (خانیک، ۱۳۸۱: ۱۱۶)

(مجید تهرانیان، ۱۹۸۵) بر اساس پژوهشی که برای یونسکو به دست آمده است سه نوع شاخص ارتباطی ارائه می‌دهد. اول فرایند «توسعه ارتباطات» یا شاخص‌های کمی است که بافرایند «انباشت» در توسعه عمومی مشابهت دارد و به ابزارها و زیرساخت‌های ارتباطی می‌پردازد.

همان‌گونه که بیشتر نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه توسعه ارتباطات معطوف به گستره کاربرد رسانه‌هاست، این دسته از شاخص‌ها نیز بیشترین توجه خود را بر میزان گسترش وسایل انتقال پیام متمرکز کرده‌اند، به این ترتیب در زمینه مطبوعات شاخص‌هایی مثل تیراژ و سطح پوشش آن‌ها در این گروه ارزیابی می‌شود.

جنبه دوم در نظام توسعه ارتباطات را می‌توان فرایند «توسعه به وسیله ارتباطات» یا شاخص‌های کیفی دانست که با فرایند بسیج اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کاملاً هماهنگ است. این جنبه از توسعه ارتباطات با ارتقای سطوح آگاهی و انتظارات و اصرار برای افزایش رقابت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی همراه است. از طریق وسایل ارتباط جمعی دولت‌ها یا گروه‌های مخالف می‌کوشند که به بحث‌های مختلف جامعه جهت دهند، از این‌رو در این دسته از شاخص‌های توسعه بیشتر محتوا و مضمون پیام‌ها یا نرم‌افزارهای ارتباطی مورد نظر است تا نحوه پوشش، تیراژ و سخت‌افزارهای رسانه‌ای. در عرصه مطبوعات شاخص‌های کیفی با نسبت موضوعات و گرایش‌های سیاسی، خبری، فرهنگی و ... و میزان آگاهی بخشی و هوشیارسازی و نحوه جلب مشارکت و رقابت خوانندگان سنجیده می‌شود.

سومین و مهم‌ترین این فرایندها که شاخص‌های بازنگری یا فرایند «توسعه برای ارتباطات» است به نوعی با مرحله یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نسبت دارد. این وجه از توسعه، سیاستی را پیشنهاد می‌کند که بر اساس یک عنصر فراگیر و درون‌زا (مثل ایدئولوژی یا فرهنگ) بتواند ساختارها، هویت‌ها و علایق متفاوت و پراکنده را متحد و یگانه سازد. به عبارت دیگر، میزان «انسانی شدن» تحرک و مشارکت مرحله دوم را تأمین و تعیین می‌نماید. به این لحاظ سنجش جهت و نوع نظارت محتوای پیام‌ها در روند توسعه با این قبیل شاخص‌های ارتباطی است.

برای مثال در زمینه مطبوعات شاخص‌های بازنگری علاوه بر

ایران بعد از انقلاب است. این ۶ دوره تاریخی عبارتند از: ۱- ابتدای انقلاب ۲- دوران جنگ ۳- دوران پسا جنگ (دولت سازندگی) ۴- دوران اصلاحات ۵- دوران اصول گرایی ۶- دوره اعتدال در این پژوهش علاوه بر دوره‌های زمانی، سرمقاله‌های نشریات از مطبوعات شاخص این دوره از نگاه‌های سیاسی موجود در آن زمان برگزیده شد و مقاله‌های آنان در رویدادهای بارز همین دوره مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. بر اساس رویکرد ترکیبی این پژوهش که مطالعه تاریخی به همراه تحلیل محتوای کیفی است بعد از گردآوری و پردازش داده‌ها در دو سطح تحلیل شدند. نخست: تفسیر گفتمانی، تاریخی و آماری و دوم: تحلیل کیفی و مقایسه موردی.

### یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها

**مطبوعات در دوره اول:** این دوره زمان ظهور روزنامه‌هایی بود که در سال‌های گذشته توقیف و ممنوع‌الانتشار شده بود و ناشران بازمانده آن‌ها دست به انتشار شماره اول دوره جدید می‌زدند و برخی نیز اولین تجربه انتشار روزنامه را می‌آزمودند. بسیاری از این روزنامه‌ها پس از چند شماره به دلایل گوناگون متوقف شدند. تیراژ آن‌ها پایین بود و خارج از شبکه توزیع روزنامه‌های پرتیراژ روی میز برخی روزنامه‌فروش‌ها، تعدادی محدود عرضه می‌شد و شاید به همین دلیل مراجعی که اکنون نسخ روزنامه‌های آن دوره ایران را نگهداری می‌کنند مجموعه‌هایی ناقص دارند و در واقع بسیاری از این روزنامه‌ها اصولاً در مجموعه‌های رسمی نگهداری نشده است. اگر تعداد روزنامه‌های جدید دوره مذکور را بر روی یک منحنی پیاده کنیم خواهیم دید که بهمن ۱۳۵۷، ۱۶ روزنامه اسفند همان سال ۲۷ روزنامه، فروردین ۵۸ تعداد ۳۰ روزنامه و اردیبهشت همان سال ۳۴ روزنامه آغاز به انتشار کرده‌اند و این روند تا یک روزنامه جدید در شهریور ۱۳۵۹ تنزل کرده است. (محسنیان‌راد، ۱۳۶۵، ۲۰۵-۲۰۳)

بر اساس پژوهش محسنیان‌راد ۷۳ درصد روزنامه‌های مورد بررسی در تهران و ۲۷ درصد بقیه در شهرستان‌ها منتشر می‌شده‌اند و نکته جالب اینجاست که در سنج بیشتر از هر شهر دیگری روزنامه جدید متولد شده است (۹ روزنامه) و پس از آن تبریز، اهواز و رشت قرار داشته‌اند. (محسنیان‌راد، ۱۳۶۵، ۲۱۱)

در همین حال براساس آمار به دست آمده تعداد نشریات توقیفی در ابتدای انقلاب و نوع برخورد با نشریات به شرح زیر بوده است: (جدول ۱)

**مطبوعات در دوره دوم، دوران جنگ:** از اواخر تابستان سال ۵۹ با تشدید تحرکات خشونت‌آمیز در برخی مناطق کشور و شروع جنگ عراق علیه ایران، روند محدودیت‌های مطبوعاتی، شدت بیشتری یافت. در آغاز این دوره، در مهرماه و سپس در اسفندماه سال ۵۹ تعدادی از

معنا که در دوره‌های توانمندی جامعه مدنی، ساخت مطبوعات توسعه‌یافته‌تر و در دوره‌های ضعف جامعه مدنی ساخت مطبوعات توسعه‌نیافته بوده است.

بر همین اساس با توجه به مبانی نظری ارائه شده به نظر می‌رسد دستگاه نظری پژوهش هم می‌تواند به این شکل باشد که:

تحول و توسعه مطبوعات ←→ جامعه مدنی قوی  
مطبوعات توسعه‌نیافته ←→ جامعه مدنی ضعیف

و منطقی استدلال هم این است که با تغییر گفتمان‌ها جامعه مدنی رشد یا نزول پیدا می‌کند و همین امر در توسعه و تحول مطبوعات هم دخیل بوده است.

### روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی به همراه روش تاریخی بهره گرفته شده است. در بخش تحقیق تاریخی یافته‌ها را بر سه سطح اسناد، منابع معتبر و تحقیقات و پژوهش‌ها دسته‌بندی کرده‌ایم: مجموع منابع دست اول شامل نامه‌ها، یادداشت‌های رسمی، صورت‌جلسات، گزارش‌ها و اسناد قانونی و نشریات رسمی و خاطرات شخصی بوده است. منابع معتبر دست اول یا دست دوم که در توصیف تاریخ معاصر ایران و مطبوعات هر دوره به کار رفته است و تحقیقات در برگیرنده پژوهش‌های بنیادی و دریافت‌های علمی در زمینه‌های مرتبط با این تحقیق بوده است.

روش تاریخی در این پژوهش برای توصیف و تبیین وضعیت سیاسی و گفتمان موجود در هر دوره، بررسی جامعه مدنی و انجمن‌ها و گروه‌ها و سندیکاها و ... به کار رفته است تا این متغیرها را بتوان بررسی و مقایسه کرد. ضمن این که شرایط مطبوعات به طور کلی هم مورد بررسی قرار گرفته و از آمارهای موجود استفاده شده است.

واحد تحلیل در پژوهش پیش‌رو سرمقاله‌های مطبوعات برجسته هر دو جناح کشور از سال‌های پس از انقلاب در رخدادهای مهمی که جامعه و قدرت را هم‌زمان درگیر کرده است و واکنش مطبوعات را برانگیخته انتخاب شود تا بتوان دامنه جامعه آماری را با توجه به گستردگی آن محدود کرد. بنابراین ابتدا متن کلیه سرمقاله‌های نشریات تعیین شده در رویدادهای نامبرده مورد مطالعه قرار گرفت و از بین آن‌ها دو متن که معرف نگاه نشریات هر جناح باشد برگزیده شد.

در این پژوهش نیز نمونه‌گیری هدفمند و آگاهانه بوده و کوشش شده تا منابع معتبر و متعدد مورد بررسی قرار بگیرند و برای مقابله با سوگیری هنگام نمونه‌گیری سرمقاله‌ها از دیدگاه‌ها و نگاه‌های مخالف و موافق انتخاب شده‌اند. در این تحقیق که مطالعه‌ای بر مبنای روش ترکیبی تاریخی و تحلیل محتوای کیفی ۶ دوره تاریخی

نشریات سازمان‌های سیاسی و چند روزنامه تعطیل شدند.

به دنبال آن، وزارت ارشاد اسلامی در فروردین ۶۰، طی اطلاعیه‌ای مدیران مطبوعات را به تجدید اجازه انتشار آن‌ها ملزم کرد و از صاحبان چاپخانه‌ها خواست تا از چاپ روزنامه‌ها و مجله‌های فاقد اجازه خودداری کنند. مدتی بعد به توصیه «شورای میانجی‌گری مطبوعات» که در اواخر اسفند ۵۹ برای حل اختلاف دولت و مدیران روزنامه‌ها تشکیل شده بود، در ۱۶ خرداد ۶۰ با حکم دادستانی انقلاب اسلامی تهران، شش روزنامه و نشریه هفتگی وابسته به گروه‌های مخالف تعطیل شدند.

### مطبوعات در دوره سوم، دوران سازندگی (پساجنگ):

در این دوره فضای سیاسی و فرهنگی نسبتاً مناسبی برای پیشرفت مطبوعات فراهم شد. با تجدید نظر در قانون اساسی و نزدیک شدن نظام حکومتی جمهوری اسلامی به نظام‌های ایالتی، تأسیس معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد و مواردی از این دست بستر مناسبی برای فعالیت نشریات به وجود آمد و پس از آن شاهد رشد تعداد نشریات بودیم به طوری که در فاصله سال‌های ۷۱ لغایت ۷۳ تعداد نشریات کشور به ۵۵۰ عنوان رسید. در این میان این خط مشی‌ها، مخصوصاً به کاهش سخت‌گیری‌های شدید قبلی نسبت به صدور اجازه نامه انتشار و همچنین اختصاص کمک مالی به ویژه مطبوعات، از طریق توزیع کاغذ ارزان قیمت بین روزنامه‌ها و مجله‌ها و همچنین ایجاد تسهیلات برای تجهیزات فنی چاپ مورد نیاز مؤسسات مطبوعاتی توجه زیادی معطوف شد که از جمله این مؤسسات می‌توان ایجاد مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و ایجاد نخستین مجله ارتباطی تخصصی به نام رسانه را نام برد. چنین به نظر می‌رسد که مطبوعات در غیاب مشارکت فراگیر روشن‌فکران، نسبت به دولت، کم و بیش نقشی تبعی دارند و تفوق و آمریت دولت را در تعیین دستور اجتماعی و پیشبرد برنامه‌های توسعه پذیرفته‌اند.

گویی مطبوعات این دوره، رسالت عمده خود را تکثیر و تبلیغ سیاست‌های دولت و گاه نقد سطحی و محدود عملکردها می‌دانند اگر وظیفه عمده روشن‌فکران را نقد قدرت و دفاع از حقوق مردم، و مطبوعات را ابزار آن بدانیم، هنگامی که روشن‌فکران در صحنه اجتماعی حاضر نباشند و شرایط اجتماعی امکان حضور و مشارکت آن‌ها و راه‌انداختن مباحثات انتقادی را فراهم نکند طبعاً نقدهای مطبوعاتی نیز به حوزه حقوق و تکالیف حکومت و چگونگی اعمال آن وارد نمی‌شود. در این اوضاع و احوال تکیه اصلی انتقادات بر عملکرد نهادهای اجرایی قرار دارد و مطبوعات عمدتاً سخنگوی نخبگان حکومتی هستند تا نماینده جریان‌های فکری و نیروهای نقد جامعه یعنی روشن‌فکران. در این دوره، نخبگان فکری، روشن‌فکران

نقاد و نیروهای پایین اجتماعی یا به مطبوعات دسترسی ندارند یا ترجیح می‌دهند سکوت کنند، زیرا جدی گرفته نمی‌شوند و اصولاً پذیرش لازم در عرصه اجتماعی برای دیدگاه‌ها و اندیشه‌های آن‌ها وجود ندارد به بیان دیگر عدم دسترسی روشن‌فکران و نخبگان فکری به «گفتمان» را می‌توان به منزله فقدان قدرت و حاشیه‌نشینی آن‌ها تلقی کرد. (فرقانی، ۱۳۸۲، ۳۰۴ - ۳۰۸)

با توجه به سیاست‌های کلی دولت، ویژگی‌های مطبوعات در دوران توسعه سیاسی، نسبت به گذشته تغییرات زیادی داشت. ویژگی‌های مطبوعات در این دوران را از چند جهت می‌توان برشمرد. از نظر کمی با صدور مجوز ۸۴۴ نشریه طی سال‌های ۷۶ تا ۷۹ تعداد کل مطبوعات دارای مجوز به ۱۵۵۱ نشریه رسید که در واقع طی سه سال، بیش از دو برابر کل نشریات دارای مجوز پس از انقلاب اسلامی مجوز صادر شد. (بهرامپور، ۱۳۸۰، ۸۶-۸۵)

براساس آماري که پژوهش‌گر از آرشیو معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد به دست آورده است طی دو دوره دولت اصلاحات تعداد مجوزهای صادره برای نشریات از ۳۳۵ به ۱۰۱۸ مجوز افزایش پیدا کرده است که از این میان ۷۲۶ عدد آن سراسری، ۹۳ مجوز منطقه‌ای، ۱۵۴ عدد آن استانی و ۳۲ مجوز محلی بوده‌اند.

**مطبوعات در دوره پنجم، دوران اصول‌گرایی:** با روی کار آمدن احمدی‌نژاد توقیف مطبوعات و محدود کردن آزادی مطبوعات سرعت و شتابی دوچندان پیدا کرد. اگرچه در زمان مدیریت سابق مطبوعاتی دولت احمدی‌نژاد فضا برای مطبوعات کمی قابل تحمل‌تر بود ولی با آمدن رامین به معاونت مطبوعاتی سقف تحمل دولت به شدت پایین آمد به طوری که کم‌تر روزنامه منتقدی تحمل می‌شد. دولت احمدی‌نژاد با اشراف به این واقعیت که روزنامه‌نگاران مخالف روی کار آمدن او بوده‌اند با مطبوعات با شدت و خشونت زیادی برخورد کرد.

دولت احمدی‌نژاد به بزرگ‌ترین شاکي روزنامه‌ها بدل شد. به عنوان مثال وزیر کار آن هفده شکایت از خبرگزاری «کار» را تقدیم قوه قضاییه کرد و این خبرگزاری توسط دولت احمدی‌نژاد توقیف موقت شد. در این دوره همچنین در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران هم بسته شد و فعالیت‌های آن که تنها نهاد صنفی و نظارتی مطبوعات بود تعطیل شد و این شاید بی‌سابقه‌ترین شرایط برای مطبوعات کشور بود. براساس آن چه در سایت معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد آمده است در دولت نهم و دهم ۱۴۷۱ مجوز نشریه چاپی، برخط و الکترونیک صادر شده است که از این تعداد ۱۰۰۹ نشریه سراسری، ۲۸۵ عدد استانی، ۵۸ مجوز منطقه‌ای و ۲۲ مجوز آن محلی بوده است.

به این ترتیب اگرچه شاید از لحاظ آماري بتوان به عملکرد کمی در حوزه مجوز به دولت‌های احمدی‌نژاد نمره قبولی داد اما از لحاظ

صورت گرفته است. افراد در ذهنشان سهمشان از فروش نفت به دلار را طلب می‌کردند و آیت‌الله خمینی (ره) برای مهار این خواسته‌ها و هم در تهییج آن‌ها آب و برق و اتوبوس را برای مستضعفین و پابرهنگان مجانی اعلام کرد. (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۶۸) در مجموع درباره شرایط و موقعیت جامعه مدنی در ایران در دوره اول مورد بررسی می‌توان گفت همان‌طور که در نقاط مختلف اشاره شد، هرچند در ماه‌های اول انقلاب فضای باز سیاسی برای فعالیت گروه‌ها و احزاب و نهادها و انجمن‌ها فراهم شد، اما به مرور زمان و به جهت تثبیت موقعیت و آرام کردن شرایط انقلابی، کم‌کم احزاب مخالف سرکوب، حذف و یا منفع‌ل شدند. و این گونه است که به استناد این موارد می‌توان گفت جامعه مدنی در این دوره ضعیف بوده است.

**۲- وضعیت جامعه مدنی در دوره دوم؛ (دوران جنگ):** به طور کلی در فاصله سال‌های ۶۰ تا ۶۸ به خاطر وقوع جنگ تحمیلی و تشدید تهدیدات امنیتی فعالیت احزاب کم‌سو شد و حتی بسیاری از آن‌ها تعطیل شدند، در این شرایط نظام به احزاب توجه چندانی نمی‌کرد و حتی فعالیت‌های حزبی را مانعی برای پیشبرد امور تلقی می‌کرد.

در این دوره که پس از پشت سر گذاشتن وقایع سال ۶۰ و تثبیت نظام و حاکم شدن طیف مذهبی، همچنان دغدغه اصلی مسئله جنگ بود، به همین دلیل احزاب از توجه نظام کنار ماندند و حتی نظام فعالیت‌های حزبی را مانع پیشرفت امور می‌دانست. از سوی نیز به دلیل شکست انتخاباتی برخی از احزاب و هم چنین عزل بنی‌صدر بسیاری از گروه‌های سیاسی، امکان فعالیت نمی‌دیدند و در درون برخی گروه‌ها مثل سازمان مجاهدین اختلاف افتاد و منجر به انحلال آن‌ها شد. در این سال قانون احزاب در مجلس تصویب شد ولی احزاب به دلیل مسائل حاشیه‌ای و موقعیت جنگی در کشور امکان فعالیت سیاسی مناسب و تأثیرگذاری پیدا نکردند.

جناح‌بندی در درون طیف‌های مذهبی به چپ و راست در این دوره شکل گرفت و از این رو احزاب و گروه‌های سیاسی در این دوره از نقش کم‌تری در سیاست برخوردار بودند. در این دوره بیش از آن که احزاب دیده شوند، شخصیت‌های مذهبی براساس نزدیکی با امام (ره) اهمیت می‌یافتند و انتخابات هم که نمود دیگری از جامعه مدنی است با همین سنج‌ها از سوی مردم مورد استقبال قرار می‌گرفت به طوری که مقاومت برخی از چهره‌های جناح راست (طیف راست مذهبی) در رأی اعتماد به نخست‌وزیری میرحسین موسوی به مثابه مخالفت با ولایت دانسته شد و در نتیجه باعث عدم استقبال مردم از جناح راست در انتخابات مجلس سوم شد و اکثریت مجلس سوم را جناح چپ (طیف چپ مذهبی) از آن خود کرد.

درباره سایر فکتورهای جامعه مدنی هم چون مطبوعات،

کافی به سبب حذف نشریات منتقد و عملکرد خود دولت در توقیف و ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها در مجموع نمره مردودی به دولت نهم و دهم در حوزه مطبوعات و رسانه‌ها تعلق می‌گیرد.

**مطبوعات در دوره ششم، دوران اعتدال:** آغاز دولت یازدهم که رهبری آن را حسن روحانی برعهده داشت با تغییر جدی شرایط برای مطبوعات همراه بود چرا که پرو بال گرفتن و گسترش شبکه‌های اجتماعی عاملی مهم در کمرنگ‌تر شدن نقش رسانه‌های چاپی و مکتوب بود. در این دوره به سبب حضور شبکه‌های اجتماعی و بازبودن آن‌ها (مصادق آزادی مطبوعات و بیان) و تلاش دولت یازدهم برای آزادی دادن به مطبوعات و افزایش صدور مجوزها به رسانه‌ها به رغم کارشکنی‌های جناح مقابل و بخش‌های بالایی حکومت هم چنان حوزه‌ای زنده است. (دشتگلی، ۱۳۹۵).

بر اساس آن چه در سایت معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد آمده است از سال ۹۲ الی ۹۶ حدود ۴۱۸۲ مجوز برای رسانه‌های چاپی، برخط و الکترونیکی صادر شده است که از این میزان حدود ۱۵۴۴ عدد آن سراسری، ۱۹۲ عدد آن منطقه‌ای، ۵۶۲ عدد آن استانی و ۱۴۱ مجوز محلی است.

### وضعیت جامعه مدنی در شش دوره مورد بررسی

**۱- وضعیت جامعه مدنی در دوره اول (ابتدای انقلاب):** در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ساز و کار جامعه مدنی روبراه بود و بساط رشد آن فراهم شده بود، هرچند که این روند کم‌کم رو به افول رفت و شرایط بفرنج شد. در زمانی که دولت موقت (بازرگان و در کنار او احزاب لیبرال و سوسیال دموکرات) جامعه را به میانه روی تشویق می‌کردند، جریان تندرو اقدامات خشونت‌آمیز پاکسازی و اعدام را در دستور کارداشت. تحلیل محتوای صحبت‌های بازرگان بیانگر آن است که به او بیشترین اولویت را به میانه‌روی می‌داده است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۲۳)

او به سیاست‌های گام به گام و تساهل در امور اعتقاد داشت و مخالف خود را با تغییر بنیادی نهادها اعلام کرده بود و می‌گفت که من اهل انقلاب و دگرگونی نیستم. (حسین‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۳۲-۱۳۳). دولت از اشغال سفارت ابراز تأسف شدید می‌کند و به خاطر دادگاه‌های هویدا که خلاف قوانین و حقوق بشر قلمداد می‌کند عذرخواهی کرده و هم چنین از تعطیلی و توقیف روزنامه‌هایی که طرفداران امام آن‌ها را خائن به انقلاب می‌دانستند، ابراز تأسف کرده و از عملکرد کمیته‌های انقلابی عذرخواهی می‌کند. (کوشافر، ۱۳۸۹: ۸۵) که این‌ها هم نماد تلاش برای گفت و گو و انتقاد است که متأسفانه فضا برای ادامه آن مهیا نبود.

پس از سقوط شاه، آیت‌الله خمینی اعلام کرد که مدافع حقوق محرومان است و راه‌اندازی انقلاب در راستای حمایت از منافع آنان



**۴- وضعیت جامعه مدنی در دوره چهارم؛ (دوران**

**اصلاحات):** حضور گسترده مردم و رأی بالای سیدمحمد خاتمی (۲۰ میلیون رأی) از یک سو و افزایش تعامل میان احزاب از سوی دیگر باعث شد دولت مستخرج از انتخابات، از مشروعیت سیاسی برخوردار باشد که این خود نشان از بروز و تقویت جامعه مدنی داشت. در این دوره توسعه سیاسی به عنوان شرط توسعه اقتصادی مطرح می‌شود و اعتقاد براین است که بدون شفاف شدن عرصه سیاسی و قاعده‌مند شدن بازی سیاسی و تن دادن بازیگران سیاسی به این قاعده، توسعه و پیشرفت اقتصادی نیز میسر نمی‌شود و لذا توسعه در این دوره به جای آن که مانند دوره قبل (سازندگی) دولت سالار باشد، جامعه‌سالار (مردم‌سالار) است و نهادها و مجامع و نیز دولت در کنار یکدیگر تسهیل‌کننده روند توسعه به شمار می‌آیند. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۳۳۳)

این دوره از معدود دوره‌هایی است که دولت مرکزی در عین ثبات، تمرکز، استحکام و اقتدار، خود منادی گفتمان توسعه سیاسی و جامعه مدنی می‌شود. تولد مطبوعات آزاد و متنوع، پاره‌ای از نهادهای مدنی و واقعی‌تر شدن مشارکت و رقابت، تأکید بر قانون‌گرایی و شایسته‌سالاری، درگیر شدن مباحثات و نقدهای سیاسی- اجتماعی فراگیر از مؤلفه‌های قابل ذکر در این دوره است. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۳۴۷)

شرایط رشد احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نیز در دولت اصلاحات مناسب بود چرا که فضای نسبتاً آزاد و تساهل دولت نسبت به حضور این گروه‌ها زمینه را برای حضورشان فراهم کرده بود. بنابراین از این دوره به عنوان یکی از دوره‌های رشد احزاب و تشکل‌های سیاسی می‌توان نام برد. از همین روی بیشترین تعداد پروانه‌های صادر شده برای تشکل‌های سیاسی در وزارت کشور به ترتیب مربوط به فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ و مربوط به دولت سیدمحمد خاتمی است. (آمار اداره کل سیاسی وزارت کشور)

**۵- وضعیت جامعه مدنی در دوره پنجم؛ (دوران**

**اصول‌گرایی):** کتاب، موسیقی، فیلم و تئاتر مانند مطبوعات در دولت‌های نهم و دهم تحت فشار قرار گرفتند و مجوزهای صدور و انتشار و فعالیت‌شان در دوران وزارت صفار هرنندی (وزیر ارشاد وقت) محدود شد، توقیف روزنامه‌های شرق، هم‌میهن، بهار، روزگار و ... (غالباً روزنامه‌های اصلاح‌طلب که بعدتر توقیف شدند)، اخراج برخی دانشجویان و اساتید از دانشگاه‌ها، ممنوع‌الکار یا تصویرشدن یک بازیگر (محمود بصیری) به دلیل شباهت ظاهری به احمدی‌نژاد، وضعیت آزادی بیان و کثرت عقیده و امکان دسترسی آزادانه همگان به اطلاعات سیاسی و امکانات را زیر سؤال برده بود. همچنین توقیف نشریات شهرستان (به ویژه کرد زبان)، تعطیلی

سازمان‌های غیردولتی، حضور مشارکتی مردم در امور سیاسی اجتماعی و ... نیز شرایط به همین گونه بود و به این ترتیب می‌توان جامعه مدنی به تعبیر مدرن را در دوران جنگ غایب خواند.

**۳- وضعیت جامعه مدنی در دوره سوم (دوران پسا**

**جنگ):** در این دوران تا حدودی می‌توان به کاهش تجاوز به حریم خصوصی در مورد افراد عادی جامعه (و نه روشن‌فکران) اشاره کرد. فشارها در مورد پوشش کمی کاسته شد و بازرسی‌ها و پرسش‌ها از زندگی شخصی و تفتیش عقاید (برای افراد عادی جامعه و نه روشن‌فکران) محدود شدند. (دشتگلی، ۱۳۹۵: ۲۴۵) در این دوره عدم رقابت و مشارکت سیاسی واقعی، محدودیت آزادی، عدم تکثرگرایی، نبود احزاب و نهادهای مدنی غیروابسته به حکومت و نبود مطبوعات متنوع و آزاد (فرقانی، ۱۳۸۲: ۳۴۶) توسعه ناموزونی بین اقتصاد و سیاست پدید آورد.

موضوع دیگر تغییر نام ولایت فقیه به ولایت مطلقه فقیه و در پی آن افزایش اختیارات رهبری بود. درقانون اساسی اصلاح شده، موضوع‌هایی مانند تعیین سیاست‌های کلی نظام، حل اختلافات و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، فرمان همه‌پرسی و غیره به اختیارات رهبری افزوده شد. تشکیل شورای عالی امنیت و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از تغییرات دیگری بود که اعمال شدند. (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

به این ترتیب با نگاهی اجمالی به موارد اصلاحی قانون اساسی به این نتیجه می‌رسیم که غالب موارد اصلاحی به ویژه در مورد مقام و جایگاه رهبری منجر به محدود شدن آزادی‌ها، دسترسی‌ها، انتخاب‌ها و پاسخ‌گویی‌ها شده است و مجلس به طور رسمی مجلس شورای اسلامی (به جای ملی) نام‌گذاری شد و اهمیت مذهب و جهت‌گیری سیاسی در این تغییرات به عنوان معرف ضعف جامعه مدنی قابل شناسایی است. (دشتگلی، ۱۳۹۵: ۲۴۶)

در این دوران هم چنین حدود ۸۰ تن به وسیله محفل‌های مشکوک و به علل سیاسی به قتل رسیدند. (زیباکلام و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۰-۷۱) که از میان آن‌ها می‌توان به قتل سعیدی سیرجانی، براننده، میرعلایی، تفضلی و ... اشاره کرد. همچنین اقدام به منحرف کردن اتوبوس حامل نویسندگان به دره و وادار کردن آن‌ها به سکوت نیز در همین دوره روی داد. بازداشت ۲۳ تن از نیروهای ملی مذهبی، علی صالح‌آبادی، ابراهیم‌زاده، عباس عبدی و ... نیز مصادیق دیگر این مدعاست. (قاسمی و رزاقی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۵۶)

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که در این دوره احزاب چندانی فعال نبودند و تنها می‌توان به معدود مواردی مثل شکل‌گیری کارگزاران سازندگی و برخی تحرکات غیررسمی جریان‌های مقابل جریان اصلی می‌توان اشاره کرد.

### تحلیل رویکرد مطبوعات در دوره‌های پژوهش

**الف) دوره اول:** این دوره شامل حوادث و اتفاقات مختلف ابتدای انقلاب اسلامی بوده و طبعاً مقالاتی که در روزنامه‌های دوره اول انقلاب به چاپ رسیده طیف گسترده‌ای از مقولات و مباحث را در خود جای داده است. با تحلیل محتوایی مقالات این روزنامه‌ها با تکیه بر شاخص‌های جامعه مدنی و شاخص‌های کیفی تحول مطبوعات ۶ مقوله به دست آمد و از نظر شاخص‌های کیفی و بازنگری توسعه و تحول مطبوعات که شامل نگرش نقادانه و محتوا و مضمون توسعه بخش است ارزیابی و تحلیل شد. که سه مضمون غیرتوسعه‌ای و ۴ مضمون توسعه‌ای را شامل شد. اگرچه ۴ مقوله رویکرد تأییدی نگاه حاکم را داشتند اما با توجه به همان نقش مطبوعات می‌توان آن‌ها را در توسعه جامعه مدنی مؤثر دانست.

**ب) دوره دوم:** دو مقوله به دست آمده در این دوره که شامل «عدم بصیرت محوری» در ماجرای آیت‌الله منتظری و «قاطعیت رهبری» است و هر دو روزنامه مورد بررسی همین نظر را داشته‌اند. بیشتر در جهت توجیه جامعه معترض و متشنج در پی کناره‌گیری آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری است. مطبوعات کوشیده‌اند با تحلیل جزئیات و دلایل این اتفاق بخش بزرگی از علل آن را به ساده‌اندیشی آیت‌الله منتظری و حضور افراد نادرست در اطراف ایشان نسبت دهند. همچنین از شفافیت و قاطعیت رهبری و ترجیح مصلحت نظام و اسلام به افراد، توسط مطبوعات این دوره تمجید شده است. رویکرد مطبوعات در این عرصه غیرتوسعه‌ای بوده هرچند جهت‌گیری‌ها انتقادی و تأییدی بوده است.

**ج) دوره سوم:** مقوله اصلی به دست آمده در این دوره «مذاکره» با آمریکا است. مقالاتی که در مطبوعات این دوره به چاپ رسیده است را می‌توان در ۲ طیف کاملاً مخالف دسته‌بندی کرد. عده‌ای از نویسندگان با شمردن دلایل متعدد سعی در نکوهش مذاکره و بی‌نتیجه بودن مذاکره با آمریکا و عده‌ای دیگر نیز از مذاکره به عنوان اقدامی مثبت یاد کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان مشاهده کرد که برخی مطبوعات تلاش در جهت ترویج گفت‌وگو و مذاکره داشته و از محسنات آن سخن گفته‌اند و برخی دیگر گفت‌وگو با آمریکا را امری مذموم خوانده‌اند.

**د) دوره چهارم:** در تحلیل محتوایی مطبوعات منتخب این دوره ۵ مقوله «ضرورت اصلاح قانون مطبوعات (محدود شدن فضای مطبوعاتی)»، «حذف افشار وابسته از فضای مطبوعات»، «محدودسازی مطبوعات دگراندیش»، «توسل به قانون اساسی و عدم اجازه فشار سیاسی به مطبوعات» و «پویندگی مطبوعات آزاد» به دست آمده است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت در دوره اصلاحات رویکرد مطبوعات توسعه‌ای بوده است. با این حال تلاش

ماهنامه سوره، بازداشت چند روزنامه‌نگار در شهرستان، خشونت علیه روزنامه‌نگاران زن، تعطیلی ۵۷ نشریه دانشجویی و صدها مورد شبیه این موارد محدود شدن آزادی بیان و کثرت عقیده و دسترسی به اطلاعات سیاسی و آزادی و تجمع است.

محدود و منفعل شدن احزاب در این دوره نیز از نشانه‌های ضعف در جامعه مدنی است. همچنین محدود شدن آزادی‌های اجتماعی به واسطه اجرای طرح امنیت اخلاقی و ورود دولت به حریم خصوصی و پایمال شدن حقوق انسانی و شهروندی مثال‌های دیگر مدعی ضعف در جامعه مدنی است. در دولت دوم احمدی‌نژاد هم وضع به همین صورت و البته بدتر بود هرچند تنها نقطه مثبت بروز جامعه مدنی در دولت وی حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری دهم بود گرچه ریشه آن در اعتراض به دولت و تلاش برای تغییر آن بود.

به این ترتیب می‌توان گفت در دوره‌ای که نقطه عطف تاریخی آن رویداد انتخابات ریاست جمهوری دهم در خرداد ۱۳۸۸ است، سرکوب اعتراضات و تحدید احزاب به تضعیف جامعه مدنی منجر شد و رویکرد دولت دهم در تخریب اقتصاد و قانون و عملکرد مجلس آن دوره در تصویب برخی لوایح خلاف مسیر جامعه مدنی تعبیر می‌شود و این ویژگی‌ها بیان‌گر ضعف جامعه مدنی در این بازه تاریخی است.

**۶- وضعیت جامعه مدنی در دوره ششم؛ (دوران اعتدال):** اما شرایط جامعه مدنی در دولت روحانی مصادیق و فاکتورهای عملی زیادی دارد. رفتار رأی‌دهی مردم که به لیست امید رأی دادند و ائتلاف جریان اصلاحات با اعتدال و تشکیل لیست امید را می‌توان از مصادیق تعامل میان احزاب و قوت گرفتن ساختار حزبی برشمرد. فعال شدن دوباره احزاب و فعالان سیاسی بعد از دوره رکود سیاسی ناشی از انتخابات دهم ریاست جمهوری را از دیگر مصادیق وجود و قدرت گرفتن جامعه مدنی می‌توان عنوان کرد. (مانند برگزاری مجمع عمومی برای ۱۶ کانون صنفی معلمان، ایران، ۱۴ تیر ۹۵) یا شکل‌گیری دوباره احزاب مانند اتحاد ملت ایران اسلامی بعد از ۱۲ سال.

همچنین اقدام دولت یازدهم در تدوین منشور حقوق شهروندی از مصادیق تلاش دولت یازدهم در مبحث اهمیت حقوق شهروندی و انسانی و نیز دیگر معرف‌های جامعه مدنی است. (دشتگلی، ۱۳۹۵: ۳۰۰). اما در مجموع با استناد به پژوهش مانا دشتگلی می‌توان گفت که کفه مربوط به نقش مردم و پس از آن نخبگان برای تحقق جامعه مدنی نسبت به دولت سنگینی بیشتر دارد و در کنار تلاش‌های دولت یازدهم برای عمل به وعده‌هایی که درباره پیشبرد جامعه مدنی می‌داند بخش‌های بالایی حاکمیت و جامعه هوادار آن، مانعی جدی برای دستیابی به این اهداف و آرمان‌ها بودند.

آزادانه برخی مطبوعات مخالف دولت وقت و عدم برخورد قضایی با آن‌ها خود نشانه زمینه آماده شده از سوی جامعه مدنی برای تحول مطبوعات است.

**ه) دوره پنجم:** مقالات مطبوعاتی منتخب این دوره که از میان هر دو جناح انتخاب شده است پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ و حوادث رخ داده در آن دوره بوده است. مقوله‌هایی هم که یافت شده عبارتند از: «یکپارچگی صدای مردم در انتخابات ۸۸»، «اصلاح‌طلبان، عامل آشوب»، «اعتراضات مردمی»، «حق قانونی» و «تردید در مشروعیت انتخابات» و «پابندی به اصول دموکراسی».

به این ترتیب ضمن تمجید از حضور و مشارکت بالای مردم، از حوادث پس از آن در مقالات اصول‌گرا با نام آشوب و در روزنامه‌های جناح اصلاح‌طلب اعتراض قانونی مردم یاد کرده‌اند. مطبوعات اصلاح‌طلب این حوادث را اعتراضات بحق مردم نامیده و مجوز اعتراض مردمی را از ویژگی‌های جوامع مدنی دانستند.

**و) دوره ششم:** عمده مباحث شکل گرفته در مطبوعات منتخب این دوره درباره مذاکرات برجام و درخواست شفاف‌سازی کامل برجام و مفاد آن در راستای آگاه‌سازی عموم مردم از این قرارداد بین‌المللی بوده است. شفافیتی که از پایه‌های اساسی برپایی جامعه مدنی است. لزوم برقراری روابط بین‌المللی پس از توافق برجام مبحث دیگر ذکر شده توسط مطبوعات کشور بوده است. با توجه به مقولات خارج شده از سرمقاله‌های روزنامه‌های دو جناح در این برهه زمانی می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد توسعه‌ای و غیرتوسعه‌ای مطبوعات همزمان بوده است و تحولی را در این زمینه شاهد نیستیم.

### نتیجه‌گیری

به طور کلی و با برگشت به پرسش اصلی پژوهش که بررسی نسبت میان جامعه مدنی و تحول مطبوعات پرداخته است می‌توان ادعا کرد مدل ارائه شده از سوی دکتر خانیکی برای دوره قبل از انقلاب در دوره بعد از انقلاب به طور کامل نمی‌تواند مورد تأیید قرار بگیرد چه در دوران‌هایی حرکت رفت و برگشتی بین مطبوعات و جامعه مدنی برقرار بوده است.

آن‌طور که در مدل خانیکی اشاره شده بود مطبوعات در ایران متغیری وابسته بوده‌اند که متعارفاً به سوی جامعه باز و نوعی تکثرگرایی در قدرت گرایش دارند که با ساختار سیاسی توسعه نیافته و گرایش به سوی بسته بودن و تمرکز، در تعارض است. تجربه‌های دوره ۸ ساله اصلاحات و البته دوره ششم (دولت اعتدال) نشان‌دهنده عبور از مدل هابرماسی خانیکی درباره رابطه توسعه جامعه مدنی و مطبوعات است. در این مدل یک سویه نظام اجتماعی علاوه بر حوزه استیلای دولت و جامعه مدنی از فضای

عمومی هم بهره‌مند است.

در واقع امر عمومی که مطبوعات را شامل می‌شود شاکله سازنده این فضای عمومی است. اما آن‌طور که خانیکی هم در بازنگری مدلس به آن اشاره کرده است این مدل در همه دوره‌های ایران نمی‌تواند صادق باشد و براساس یافته‌های این پژوهش هم صادق نبوده است. دوران اصلاحات از یک سو و دوره ششم مد نظر در پژوهش که هم‌زمان با رشد و توسعه شبکه‌های اجتماعی و ... بوده است را هم می‌توان مصداق این مدعی دانست.

به این ترتیب به نظر می‌رسد آن گونه که خانیکی هم اشاره کرده است مدلی که نشان‌دهنده حضور مطبوعات در عرصه قدرت است بیشتر نشان‌دهنده الگوی توسعه مطبوعات در دوران پس از انقلاب بوده باشد. آن چه در این مدل پر اهمیت‌تر به نظر می‌رسد شناخت شبکه تعاملی قدرت و نقش و سهمی است که هر یک از کنش‌گران اجتماعی در پیشبرد این شبکه برعهده گرفته‌اند.

به این ترتیب گاه ممکن است مطبوعات رویاروی نظم سیاسی باشند اما نقش آن‌ها زمینه‌سازی نظم استیلاجویانه سیاسی نیز باشد و گاه درکنار حکومت باشند اما با نقش تعدیل قدرت سیاسی. در رویکرد فوکویی آن چه بیش از ابزار اهمیت دارد هژمونی ایدئولوژیک است، اگر نظام سیاسی فاقد مشروعیت باشد به رغم داشتن ابزار قدرت فاقد آن است. در حالیکه ممکن است نیرویی فاقد ابزار قدرت باشد اما به خاطر هژمونی ایدئولوژیک که دارد قدرت داشته باشد.

بر همین اساس اگرچه در ابتدای امر به نظر می‌رسید که مدل یک سویه تأثیر توسعه جامعه مدنی بر توسعه مطبوعات با دخالت گفتمان حاکم که در دوره‌های قبل از انقلاب ثابت شده و از سوی خانیکی ارائه شده است در این شش دوره نیز مورد قبول باشد و تأیید شود و در واقع ساخت قدرت سیاسی و وضعیت جامعه مدنی در سامان یا نابسامانی توسعه مطبوعات مؤثر باشد اما نبود و به نظر محقق باید در جامعه پیچیده ایران علاوه بر مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی کنش‌های ارتباطی را هم مد نظر قرار داد. به این ترتیب است که باید گفت مدلی دو سویه را برای شش دوره پس از انقلاب در بررسی نسبت جامعه مدنی و مطبوعات می‌توان ارائه داد. مدلی که بر اساس آن هم جامعه مدنی در تحول مطبوعات دخیل بوده است و هم مطبوعات نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و شکل‌گیری مطبوعات دارند.

تحول مطبوعات ← توسعه جامعه مدنی

هم‌چنین با نگاهی به جامعه ایرانی و وضعیت جامعه مدنی و مطبوعات در آن به نظر می‌رسد که عدم ظهور و بروز جامعه مدنی به صورت فرآیندی به هم پیوسته باعث شده که شاهد رشد و توسعه مطبوعات تحول یافته یا ناشییم یابیم. از این رو این پژوهش برآن

در دوره ششم پژوهش (اعتدال‌گرایی) گفتمان دولت گفتمان اعتدال و بهبود ارتباط با جهان بوده است هم چنین در این دوره به سبب حضور شبکه‌های اجتماعی و بازبودن آن‌ها (مصدق آزادی مطبوعات و بیان) و تلاش دولت یازدهم برای آزادی دادن به مطبوعات و افزایش صدور مجوزها به رسانه‌ها به رغم کارشکنی‌های جناح مقابل و بخش‌های بالایی حکومت مطبوعات سعی بر ترویج گفتمان ارتباط مؤثر با خارج داشته‌اند و البته بخشی از نشریات مخالف هم به انتقاد از رویه موجود پرداخته‌اند.

### پیشنهادات برگرفته از تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده و نقشی که رسانه می‌تواند در توسعه فضای جامعه مدنی ایفا کند به نظر می‌رسد باید به مسئولان توصیه کرد همان‌گونه که در دوران طلایی مطبوعات مانند ماه‌های ابتدایی انقلاب که فضای باز رسانه و مطبوعات به تعامل جامعه مدنی و مردم و تحول روبه رشد جامعه انجامید یا دوران اصلاحات که آزادی بیان و آزادی مطبوعات زمینه‌ساز تحول جامعه و رشد نهادهای مدنی شد و حرکت چرخ‌های توسعه در کشور ایران سرعت گرفت بهتر است آزادی بیان و رسانه را در اولویت برنامه خود قرار دهند. امروزه اولویت جامعه ما توجه به رشد و توسعه همه جانبه است و زمینه‌ساز آن گسترش جامعه مدنی و قبل‌تر از آن آزادی رسانه‌ها و مطبوعات (امروزه به نظر می‌رسد بیشتر فضای مجازی جای آن را گرفته است) است.

در شرایط فعلی جامعه اگرچه امید می‌رود به واسطه دسترسی به اطلاعات بیشتر و گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بتوان شاهد رشد بیشتر جامعه مدنی و حرکت به سوی توسعه یافتگی بود؛ اما متأسفانه محدودیت‌هایی که از سوی بخش‌هایی از حاکمیت اعمال می‌شود (مانند فیلترینگ و طرح موسوم به صیانت) نشان از عدم تمایل برای پذیرش آزادی بیان و آزادی رسانه‌هاست.

اگر روند آزادی مطبوعات و رسانه‌ها جدی گرفته نشود نه تنها شاهد رشد جامعه مدنی و حرکت به سوی توسعه نخواهیم بود که شاهد کاهش بیش از پیش سرمایه اجتماعی و به بن بست رسیدن حاکمیه خواهیم بود.

بود تا در یابد که آیا تغییر جامعه مدنی موجب تحول مطبوعات شده یا تحول مطبوعات زمینه رشد جامعه مدنی را فراهم آورده است. با مقایسه ۶ دوره زمانی مطبوعاتی، به طور کلی می‌توان دوره اول پس از انقلاب را دوران طلایی مطبوعات در پرداختن به مسائل مختلف مرتبط با ایجاد جامعه مدنی و تلاش برای توسعه و تحول دانست. نویسندگان مقالات مطبوعاتی و روزنامه‌نگاران در این دوران مسایل جامعه مدنی را با دقت رصد کرده و در جهت تحول خود و جامعه مدنی گام برمی‌داشتند. هرچند محدودیت‌های فراوان از سوی جامعه و تهدید و توقیف‌ها این زمینه را به سرعت دچار تحول کرد. در دوره اول که گفتمان حاکم انقلاب و اصول آن بوده است مطبوعات دو شرایط متفاوت را سپری کردند. در ابتدا نقش منتقد و آگاهی‌دهنده را داشتند و بر همین مینا هم بود که جامعه مدنی در کشور حرکت رو به رشد خود را آغاز می‌کرد. اما متأسفانه با تغییر فضای نشریاتی توان ادامه حیات پیدا کردند که گفتمان انقلاب را تبلیغ می‌کردند و به این ترتیب نقش روشن‌گری آن‌ها هم روبه تحلیل رفت و جامعه مدنی هم به دنبال آن رو به افول رفت.

در دور دوم پژوهش پیش رو که ایام جنگ نیز بود. هم مطبوعات و هم دولت‌ها گفتمان حاکمیت را دنبال می‌کردند و بر همین اساس هیچ کدام در توسعه دیگری نتوانست نقش مؤثری داشته باشد و شاهد شرایطی خنثی هم برای مطبوعات و هم جامعه مدنی هستیم. در دوره سوم که دوران پساجنگ را شامل می‌شود گفتمان غالب دولت آزادی اقتصادی با فاکتور گیری از آزادی‌های سیاسی بود و گروه‌های فکری-سیاسی متعددی از حق سخن گفتن و مهم‌تر از آن از داشتن ابزار اظهار و بیان دیدگاه‌ها و عقاید خود یعنی مطبوعات متنوع و متکثر محروم بودند به همین دلیل از یک، دو روزنامه یا چند نشریه خاص که بگذریم، چهره عمومی مطبوعات و نیز محتوای آن‌ها کم و بیش یکدست و یکسان و غالباً تکثیرکننده گفتمان رسمی و مبین قدرت متمرکز دولت بوده است. با این وجود اما همان تحولات نصفه و نیمه و کمی مطبوعات زمینه‌ساز تحولات جامعه مدنی در دوره بعد شده است.

در دوره چهارم که دوران اصلاحات است همان‌طور که پیش از این گفته شد درخشان‌ترین شرایط برای جامعه مدنی و مطبوعات تحول یافته است و گفتمان توسعه در همه زمینه‌ها هم از سوی دولت هم مطبوعات تبلیغ شده است. در این دوره مطبوعات به عنوان نیروی مؤثر در رشد جامعه مدنی عمل کرده‌اند و از سوی دیگر جامعه مدنی هم زمینه‌ساز تحول مطبوعات بوده است.

در دوره پنجم یا همان دوره اصول‌گرایی در پژوهش، مطبوعات منتقد که در نقش آگاهی‌دهنده و مؤثر بر رشد جامعه مدنی بوده‌اند به دلیل بی‌توجهی به گفتمان حاکم به محاق رفته و آن دسته از مطبوعاتی که موجود بوده‌اند مبلغ گفتمان حاکم و یکدستی حاکمیت بوده‌اند.

جدول ۱- تعداد نشریات توقیفی و اقدام علیه روزنامه نگاران در ابتدای انقلاب

سال ها	نشریات غیردولتی توقیف شده	اقدام علیه نشریات و روزنامه نگاران	روزنامه نگاران محکوم به زندان	تعرض به نشریات و روزنامه نگاران
۱۳۵۸	۸۳	۱۵۰	۸	۱۶
۱۳۵۹	۱۴۳	۱۹۰	۲۱	۴۱
۱۳۶۰	۱۳۷	۲۰۶	۲۹	۵۱
۱۳۶۱	۸۲	۲۹	۱۳	۳۹
۱۳۶۲	۳۱	۵۱	۱۷	۲۳

## فهرست منابع

- اشرف، احمد. و بنوعزیزی، علی. (۱۳۸۷). "طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران"، ترجمه سهیلا فارسانی. تهران: نشر نیلوفر.
- باقری دولت آبادی، علی. و شفیع، محسن. (۱۳۹۳). "از هاشمی تا روحانی؛ بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه‌سازه انگاری"، تهران: انتشارات تیسلا.
- بهرام‌پور، شعبانعلی. (۱۳۸۹). "چشم‌انداز مطبوعات آرمانی در ایران: بررسی تطبیقی ارزش‌های آزادی بیان و استقلال روزنامه‌نگاران در روزنامه‌های ایران"، رساله دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پیوزی، مایکل. (۱۳۸۴). "یورگن هابرماس"، ترجمه احمدتدین. تهران: هرمس.
- تهرانیان، مجید. (۱۳۵۶). "پیرامون ساخت و نقش رسانه‌ها (همایش شیراز)"، ویرایش جمشید اکرمی، تهران: انتشارات سروش.
- حسین‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۶). "گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران"، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خانیکی، هادی. (۱۳۸۱). "قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات"، تهران: طرح نو.
- دشتگلی، مانا. (۱۳۹۵). "تحلیل تطبیقی تاریخی دگرگونی کنش ارتباطی و حوزه عمومی، از منظر جامعه مدنی و دموکراسی در ایران (مطالعه موردی ایران، در فاصله مشروطه تا انتخابات یازدهم ریاست جمهوری)"، رساله دکتری علوم ارتباطات. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- علی بابایی، داوود. (۱۳۸۴). "۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)"، تهران: انتشارات امید فردا.
- فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۸۲). "راه دراز گذار تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۲۸۵-۱۳۷۷)"، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- فیوضات، ابراهیم. (۱۳۸۰). "اصلاحات و موانع آن در ایران"، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶.
- قاسمی، فریدون. و رزاق‌پور، سیروس. (۱۳۹۵). "جمهوری اسلامی ایران: از بازرگان تا روحانی"، لندن. اچ اند مدیا.
- کوشافر، محسن. (۱۳۸۹). "تحلیل جامعه‌شناختی عدم تثبیت دموکراسی در ایران با تأکید بر رویکرد نخبه.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۶۵). "مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مطبوعاتی ایران"، بخش اول. تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۹). "نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی"، انتشارات همشهری.
- میلانی، محسن. (۱۳۸۱). "شکل‌گیری پهلوی تا جمهوری اسلامی"، ترجمه مجتبی عطارزاده. تهران: نشر گام نو.
- هیرو، فیلیپ. (۱۳۸۶). "ایران در حکومت روحانیون"، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی. تهران: انتشارات باز.